



سرگذشت تاریخ‌نگاری

ادبیات معاصر ایران

حسن میر عابدینی

سرگذشت تاریخ‌نگاری ادبیات معاصر ایران

حسن میرعابدینی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۶

سرگذشت تاریخ نگاری ادبیات معاصر ایران

تألیف حسن میرعابدینی

فرهنگ نشر نو تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم،
(شهید جنتی)، پلاک ۱۳ - تلفن: ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ اول، ۱۳۹۶
شمارگان ۷۷۰
طرح جلد محمد جهانی مقدم
لیتوگرافی باختر
چاپ غزال
ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
فهرست نویسی
عنوان اصلی
موضوع
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
مرکز پخش
تلفن و دورنگار
بها:

میرعابدینی، حسن، ۱۳۳۲...
سرگذشت تاریخ نگاری ادبیات معاصر ایران /
حسن میرعابدینی
تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۶.
۴۴۲ ص.
ISBN 978-600-7439-89-0
بر اساس اطلاعات فیبا
سرگذشت تاریخ نگاری ادبیات معاصر ایران
ادبیات فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد.
الف. میرعابدینی، حسن، مؤلف
ب. عنوان: سرگذشت تاریخ نگاری
ادبیات معاصر ایران
PIR ۲۵۲۵/ ۴ س ۱۳۹۶
۸ فا ۰/۹۰۶
۴۲۰۱۸۵۸
آسیم
۸۸۷۴۰۹۹۲-۴
۴۴۰،۰۰۰ ریال

فهرست

مقدمه

۱

بخش اول: تاریخ نگاران ادبی

- ۱۱ براون: تاریخ ادبی ایران
۲۰ رشید یاسمی: ادبیات معاصر
۳۰ بهار: سبک‌شناسی
۳۷ زرین کوب: نقد ادبی
۴۹ یوسفی: دیداری با اهل قلم
۵۷ اسلامی ندوشن: ادب معاصر ایران
۶۴ صفا: «داستان‌نویسی از دوران قدیم تا روزگار ما»
۷۳ استعلامی: کتاب‌های درسی ادبیات معاصر
۷۹ حقوقی: ادبیات معاصر ایران
۸۵ شکی: «درآمدی بر ادبیات معاصر ایران»
۸۸ سیاح و نفیسی: «ادبیات معاصر ایران»
۹۲ علوی: تاریخ ادبیات ایران (نظم و نشر)
۹۹ کامشاد: پایه‌گذاران نشر جدید فارسی
۱۱۰ فرزانه: «ارزیابی ادبیات معاصر ایران»
۱۱۵ جزایری: «ادبیات امروز ایران...»

- ۱۱۸ دستغیب: جریان‌شناسی ادبیات معاصر
 ۱۲۵ براهنی: قصه‌نویسی و طلا در مس
 ۱۳۴ آراین‌پور: از صبا تا نیما

بخش دوم: ایران‌شناسان روس

- ۱۴۵ ایران‌شناسان روس
 ۱۵۶ کمیساروف: شرح مختصر نثر معاصر فارسی
 ۱۶۹ نیکیتین: «رمان تاریخی در ادبیات فارسی کنونی»
 ۱۷۶ کلیاشتورینا: شعر نو در ایران

بخش سوم: ایران‌شناسان غربی

- ۱۸۱ ایران‌شناسان غربی
 ۲۱۵ ماخالسکی: رمان تاریخی فارسی
 ۲۲۱ ریپکا: تاریخ ادبیات ایران
 ۲۲۵ کویچکوا: «ادبیات فارسی قرن بیستم»
 ۲۳۸ چلکووسکی: «انواع ادبی در ایران امروز»
 ۲۴۷ هائوی: «چندگونگی ادبیات مردمی...»

بخش چهارم: مؤلفان گلچین‌های ادبی

- ۲۵۳ گلچین‌های ادبی
 ۲۵۹ هشترودی: منتخب آثار
 ۲۶۳ نفیسی: شاهکارهای نثر فارسی معاصر
 ۲۷۱ افشار: نثر فارسی معاصر
 ۲۷۵ سپانلو، حقوقی: گلچین داستان و شعر

بخش پنجم: راویان داستان‌داستان‌نویسی

- ۲۸۱ داستان‌داستان‌نویسی
 ۲۸۷ خانلری: «نثر فارسی در دوره اخیر»

- ۳۰۸ زوآرزاده: «داستان کوتاه ایران...»
 ۳۱۲ مدرّسی: «داستان‌نویسی نوین فارسی»
 ۳۲۱ م. آزاد: «داستان کوتاه و بلند در این سرزمین»
 ۳۲۶ ابراهیمی: «بازدید قصه امروز»
 ۳۲۹ صادقی: داستان‌نویسی امروز ایران
 ۳۳۵ گلشیری: «سی سال رمان‌نویسی»
 ۳۴۴ میرصادقی: «نگاهی به داستان‌نویسی معاصر ایران»

بخش ششم: نگارندگان تاریخچه شعر

- ۳۴۹ نیمایوشیخ: «ارزش احساسات...»
 ۳۵۲ اسحاق: شعر جدید فارسی
 ۳۵۷ حمید زرین‌کوب: چشم‌انداز شعر نو فارسی
 ۳۶۰ شفیعی کدکنی: ادوار شعر فارسی

بخش هفتم: گزارشگران سیر نمایش

- ۳۶۷ فکری، نوشین، افشار: تئاتر ایران
 ۳۷۳ جنتی عطایی: بنیاد نمایش در ایران
 ۳۷۵ رضوانی: نمایش و رقص در ایران
 ۳۸۰ بیضایی: نمایش در ایران
 ۳۸۶ فروغ: «نمایش»
 ۳۸۹ نصیریان، شیبانی، شفیعی: نمایش در ایران
 ۳۹۴ زُهری: سیر نمایش‌نامه‌نویسی ایران
 ۳۹۷ بکتاش: «طلوع غریبه تئاتر در افق ایران»

- ۴۰۱ پی‌گفتار
 ۴۰۷ نمایه

مقدمه

از آغاز ورود به «روزگار نو»، از دوره بیداری و نهضت مشروطه به این سو، در بازشناسی و معرفی ادبیات کلاسیک، کارهای بسیار انجام شده است، از تصحیح انتقادی آثار و چاپ منتخباتی از آنها گرفته تا بررسی‌ها و تاریخ‌نگاری‌های ادبی. در مراکز مطالعاتی و دانشگاهی نیز، این ادبیات همواره موضوع تدریس و پژوهش بوده است.

اما به ادبیات و به‌خصوص نثر معاصر توجه چندانی نشده و، در نتیجه، جایگاه آن به‌درستی شناخته نشده است؛ در حالی که تنوع محتوایی و صوری آثار پدیدآمده در دوره معاصر آن را به دوره‌ای مهم از تاریخ ادبیات ایران تبدیل کرده است.

یکی از راه‌های معرفی ارزش‌های ادبیات معاصر نگارش تاریخ آن است. ادبیات معاصر، از نظر کمی و کیفی، به جایی رسیده است که ضرورت دارد جست‌وجوهای بیشتری در علل و اسباب پیدایش آن صورت گیرد و، در پرتو پژوهش‌های تازه، تاریخ‌های نوشته‌شده درباره آن بازنگری شود.

به نظر می‌رسد که به مرحله تازه‌ای در تاریخ ادبیات‌نگاری زبان فارسی رسیده‌ایم و آن درک ضرورت تألیف تاریخ جامع ادبیات معاصر است. رسم معمول نادیده گرفتن این بخش از ادبیات فارسی

بوده است. گویی ادبیات معاصر انحرافی بوده است از مسیری که ادب غنی کلاسیک ایران پیموده یا مرحله‌ای بوده است که می‌توانسته یا بهتر بوده پیش نیاید؛ در حالی که، به تعبیری، می‌توان ادبیات معاصر را ادامه طبیعی و منطقی ادبیات کلاسیک دانست. در این تعبیر، به‌خصوص نظر به این گفته دارم که تحقیقاتی که امروزه درباره ادبیات کلاسیک صورت می‌گیرد، به اعتبار نگاه و روش‌شناسی تازه محققان، بخشی از دستاوردهای ادبیات معاصر به شمار می‌آید. (← سمعی «گیلانی»)

از جمله نخستین اقدامات برای تألیف تاریخ ادبیات معاصر این است که منابع اطلاعات خود را تدوین کنیم؛ زیرا، در آن صورت، از حد و حدود تحقیقات انجام‌شده مطلع می‌شویم و این امید پیدا می‌شود که، به‌خصوص در محیط‌های دانشگاهی، به جای کارهای تکراری، با پژوهش‌هایی مواجه شویم که چشم‌اندازهای جدیدی را در منظر پژوهشگران قرار دهند.

منابع اطلاعات می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

کتاب‌شناسی‌ها: مهم‌ترین کتاب‌شناسی عمومی در زبان فارسی فهرست کتاب‌های چاپی فارسی اثر خان‌بابا مُشار است که ویرایش احسان یارشاطر (۱۳۵۲) صورت منقحی از آن به شمار می‌آید. ضروری است که کتابنامه‌های اختصاصی درباره شاخه‌های ادبیات معاصر، از شعر و داستان و نمایشنامه گرفته تا نقد ادبی و ترجمه آثار ادبی، تألیف شود.

فرهنگ‌ها: مهم‌تر از تدوین کتاب‌شناسی‌ها، نوشتن فرهنگ‌هایی مستند و توصیفی درباره شاعران، نویسندگان، نمایشنامه‌نویسان، منتقدان، پژوهشگران، و مترجمان است. فرهنگ‌های اختصاصی کارهای انجام‌شده را از نظر کمی پیش روی پژوهشگران می‌نهند.

مقاله‌نامه‌ها: جامع‌ترین مقاله‌نامه موجود فهرست مقالات فارسی اثر ایرج افشار است که هشت جلد آن، از ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۰، منتشر شده است. بخش مربوط به ادبیات معاصر این اثر، از این نظر که مؤلف بیشتر

به مباحث ایران‌شناسی توجه داشته، به تکمیل نیاز دارد. فهرست توصیفی مهم‌ترین مقالات نوشته‌شده درباره شاخه‌های متعدد ادبیات معاصر و معرفی اثرآفرینان مطرح، برای دانشجویان و پژوهندگان ادبیات، ابزار لازمی است.

برداشته شدن این گام‌های اولیه محققان را برای طی طریق در مسیر صعب نوشتن تاریخ ادبیات معاصر آماده می‌سازد. اما، برای شروع هر تحقیقی مرور پیشینه تحقیق بسیار مهم است. از این رو، کتاب حاضر با هدف ارائه گزارشی از کتاب‌ها و مقالاتی با موضوع تاریخ‌نگاری ادبیات معاصر تدوین شده است، به این مقصود که هم گامی در راه شناسائی اثر برداشته شود هم شیوه‌هایی که مؤلفان برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر اختیار کرده‌اند، از منظری انتقادی، بررسی گردد. معرفی اثر با توجه به اهداف مؤلف، روش تحقیق او، و ساختار بیرونی اثر صورت می‌گیرد. در عین حال، کوشش می‌شود، با دسته‌بندی مواد مطرح‌شده در تاریخ‌های ادبی معاصر، اساس روایت تاریخی از این ادبیات نشان داده شود.

برخس، نویسنده بزرگ آرژانتینی، تدوین تاریخ ادبی را به مرتب‌کردن کتاب‌های کتابخانه‌ای آشفته تشبیه کرده است. مرور تاریخ‌نگاری ادبیات معاصر نیز راهی است برای رسیدن به بررسی درزمانی سیر تحول نظرگاه‌ها در رابطه با آن. آثار مکتوبی که به گذشته ادبی می‌پردازند و سیر تحول آن را در گذر زمان بررسی می‌کنند و اصطلاحاً مواد تاریخ ادبیات خوانده می‌شوند خود نیز تاریخی دارند. مرور کتاب‌ها و مقالات نوشته‌شده درباره تاریخ ادبیات معاصر می‌تواند گامی در راه نگارش تاریخ جامع و معتبر ادبیات معاصر به شمار آید.

اصولاً درک ضرورت نوشتن تاریخ ادبیات حاصل رسیدن به مرحله‌ای از خودآگاهی تاریخی-اجتماعی است. تاریخ ادبیات‌نویسی، به عنوان راهی فرهنگی برای تبیین هویت ملی از طریق دسته‌بندی و

ارزیابی میراث ادبی جامعه، «با ظهور احساسات ملی‌گرا و شکل‌گیری هویت سیاسی-جغرافیائی ایران» در دورهٔ مشروطه مقارن بوده است. در واقع، طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ است که شاهد شکل‌گیری جریان تاریخ‌ادبیات‌نویسی در ایران بوده‌ایم. (فتوحی، ص ۲۳۹)

ادوارد براون، نویسندهٔ کتاب چهارجلدی تاریخ ادبی ایران، نخستین محقق است که لزوم تحقیق دربارهٔ ادبیات معاصر را عملاً متذکر شد. بنابراین، می‌توان سابقهٔ نگارش تاریخ ادبیات معاصر را از فصل‌های پایانی جلد چهارم کتاب براون (۱۹۲۴) پی‌گیری کرد. روش او چنین است که، پیش از معرفی آثار و اثرآفرینان، به بررسی اوضاع سیاسی و فکری محیط پیدایش آنها می‌پردازد. او برای مطبوعات و شعر دورهٔ مشروطه اهمیت بسیار قایل است؛ اما به نوآوری‌های نثر نگاهی گذرا دارد و موفق نمی‌شود چشم‌انداز به‌نسبت کاملی از پیشرفت‌های آن را پیش روی خواننده قرار دهد.

کتاب براون در تاریخ ادبیات‌نگاری معاصر تأثیر نمایان داشت و مبدأ مطالعات بعدی قرار گرفت. تاریخ ادبیات‌نویسان پس از براون، به پیروی از او، روش گاه‌شمارانه را اختیار کردند که، به موجب آن، اثر ادبی ترجمان عصر خود شمرده می‌شود.

تکمیل و روزآمد کردن جست‌وجوی براون مشغلهٔ ذهنی تنی چند از ادبای ایرانی شد. از جمله رشید یاسمی، مترجم جلد چهارم تاریخ ادبی ایران، در سال ۱۳۱۶، کتاب کم‌حجمی با عنوان ادبیات معاصر نوشت و آن را ذیلی بر اثر براون قلمداد کرد. این کتاب، که با شتاب‌زدگی تهیه شده، از حد فهرست آثار فراتر نمی‌رود، تفسیری به‌دست نمی‌دهد، و از اظهارنظرهای انتقادی خالی است اما فهرست‌های ارزشمند آن به کار محققان ادبیات دورهٔ زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۵ می‌آید.

پس از او، در دههٔ ۱۳۴۰، دو محقق ایرانی مقیم اروپا، بزرگ علوی در برلن و حسن کامشاد در لندن، با هدف تکمیل کار براون، برای

تألیف تاریخ منتظم ادبیات به‌ویژه نثر معاصر، گام‌های نخست را برداشتند. آنان نیز آثار خود را بر اساس دوره‌های سیاسی تاریخ ایران طرح‌ریزی کردند؛ اما از مرحله کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری صرف، از نوع کار رشید یاسمی، گذشتند و، ضمن کوشش برای ترسیم سیر تطور ادبی، به معیارهایی تاریخی و انتقادی در ارزیابی آثار ادبی رسیدند. اثر این هردو، با همه ضعف روش‌شناختی و کمبودهای محتوایی، از نظر معرفی ادبیات معاصر ایران به بیگانگان موفق بوده و به عنوان کتاب درسی در دانشگاه‌های اروپا و امریکا تدریس شده است. در فاصله بین تألیف رشید یاسمی و آثار علوی و کامشاد، کارهای پراکنده‌ای صورت‌گرفت که در هموار کردن راه برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر نقشی دارند. مثلاً ملک‌الشعرا بهار، در انتهای جلد سوم سبک‌شناسی (۱۳۲۱)، به جست‌وجوی علل انقلاب فکری و پیدایش سبک‌های جدید، خاصه شیوه نثر ساده، پرداخت و قوت و ضعف سبک نثر پیشروان تجدد ادبی را باز نمود. پرویز خانلری، در مقاله «نثر فارسی در دوره اخیر» (۱۳۲۵)، و ورا کویچیگنوا، در جلد دوم تاریخ ادبیات ایران اثر یان ریپکا، تاریخچه‌ای تفصیلی از شاخه‌های نثر معاصر به دست دادند. نوشته خود ریپکا در فصل پایانی جلد اول تاریخ ادبیات ایران (۱۹۵۶) حاوی ملاحظاتی درخور توجه درباره شکل‌گیری ادبیات معاصر از نظر تاریخی است.

جز اینها، لازم است از مقالات و کتاب‌هایی یاد شود که دیگر نویسندگان غیر ایرانی درباره روند تاریخی نثر فارسی در قرن بیستم نوشتند. این نوع آثار در زبان روسی، بیشتر از زبان‌های دیگر، پدید آمده است. دو ایران‌شناس روس، کُمیسارُف و رُزَنفیلد، بیش از دیگران در این راه کوشیده‌اند.

بدین سان، می‌رسیم به دهه ۱۳۵۰، زمانی که مطالعه درباره ادبیات معاصر، همگام با رشد آن، سیر صعودی می‌یابد و، از جمله کتاب تأثیرگذار یحیی آرین‌پور، از صبا تا نیما (۱۳۵۰)، منتشر می‌شود. این اثر

را می‌توان نوعی سنگِ نشانه در راهی به شمار آورد که انتظار می‌رود به تدوین تاریخ جامع ادبیات معاصر منتهی گردد.

تاریخ ادبیات‌نگاران ایرانی تمایلی به پرداختن به ادبیات معاصر نشان نمی‌دادند و در نهایت، مثل رضازاده شفق، آن را در حد اشاره‌ای به ادبیات مشروطه، برگزار می‌کردند. محققانی مثل براون نیز فصلی از بخش پایانی کار خود را به آن اختصاص دادند. حتی ضرورتی برای ترجمه کتاب‌هایی که علوی و کامشاد در دهه ۱۳۴۰ نوشته بودند حس نمی‌شد؛ زیرا:

- اغلب ادبا برای ادب معاصر، به‌ویژه نثر تخیلی، آن مایه از اهمیت را قایل نبودند که به تفصیل به آن پردازند.
- ادبیات معاصر در آغاز راه بود و زمان قضاوتی دقیق و به‌نسبت قطعی درباره کار اکثر نویسندگان فرانسیده بود.

درواقع، محققان اولیه، چون هنوز با رویدادهای ادبی چنان‌که باید فاصله نگرفته بودند، نهایتاً موضوع را به شکلی کلی مطرح می‌کردند. به تدریج که تاریخ‌نگاران از آن رویدادها فاصله گرفتند، کارشان جزء‌نگران‌تر و دقیق‌تر شد. از دهه ۱۳۵۰ به بعد، این نکته مدنظر قرار گرفت که تاریخ ادبیات فقط رویدادهای زمان‌های دور نیست بلکه زمان معاصر هم می‌تواند جایی در آن بیابد. آثاری که در چند دهه پس از انقلاب اسلامی منتشر شده‌اند راه را برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر باز کرده‌اند. اما، با توجه به اینکه کارهای انجام گرفته در این زمینه تنوع لازم را ندارد، برای فایق آمدن بر کمبودهای موجود از نظر شیوه تألیف و هم از حیث جامعیت، تحقیقات نقادانه و مبتنی بر نظریه ادبی ضروری است.

در این کتاب، گزارش‌های مربوط به مقالات و کتاب‌های تاریخ ادبیات امروزی ایران، از آغاز تا ۱۳۵۷، به ترتیبی در پی هم آمده‌اند که سیر تحول نگاه به ادبیات امروز را در منظر خواننده قرار دهند.

شایسته می‌دانم سپاس خود را از استاد احمد سمیعی (گیلانی)، که متن کتاب را ویرایش کردند ابراز کنم.

سپاسگزارم از خانم‌ها سایه اقتصادی‌نیا، فاطمه فرهودی‌پور، و آزاده گلشنی، به سبب نقشی که در پیشبرد مراحل آماده‌سازی کتاب داشته‌اند.

وظیفه خود می‌دانم از محمدرضا جعفری، مدیر فرهنگ نشرنو، و همچنین علیرضا اکبری، مشاور نشرنو، تشکر کنم.

منابع

- سمیعی (گیلانی)، احمد، «گستره ادب معاصر»، نامه فرهنگستان، س ۸، ش دوم (مسلسل: ۳۰)، تابستان ۱۳۸۵، ص ۲-۸.
- فتوحی، محمود، نظریه تاریخ ادبیات (با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران)، سخن، تهران ۱۳۸۷.

بخش اول

تاریخ نگاران ادبی

براون: تاریخ ادبی ایران

اروپائینی چون ادوارد براون^۱ (۱۸۶۲-۱۹۲۶) در تدوین تاریخ ادبیات فارسی پیش قدم شده‌اند. اثر او، *تاریخ ادبی ایران*^۲ در چهار جلد - از ۱۹۰۲ تا ۱۹۲۴ - در ۲۳۰۰ صفحه به زبان انگلیسی چاپ و از اقبال دانشگاهیان و محافل ایران‌شناسی برخوردار شد. «براون کتاب خود را هنگامی نوشت که اکثر آثار ادبیات فارسی هنوز روی طبع یا اقلًا طبع انتقادی ندیده بود» (مؤید، ص ۷۶)، و شمار محققان ایرانی که کار خود را بر اساس روشی علمی انجام دهند از شمار انگلستان یک دست نمی‌گذشت. این کتاب «تاکنون مرجع و راهنمای سه نسل از شاگردان و پویندگان راه ادبیات فارسی در غرب زمین بوده است و تألیفات دهه‌های بعد... هیچ کدام جامعیت و جذابیت کتاب براون را نداشته و جای آن را نگرفته است» (همان، ص ۷۵؛ متینی، ص ۲۵۳). روش او چنین است که «پیش از معرفی شاعران، اوضاع سیاسی و فکری محیط آنها را به خواننده» می‌شناساند و به «پیوستگی معنوی میان جریان‌های فرهنگی ایران و دیگر کشورهای اسلامی در زمان‌های گذشته» توجه می‌کند (مؤید، ص ۷۶؛ متینی، ص ۲۵۴). طرح کار براون بسیار گسترده است؛ زیرا او به ادبیات در مفهوم کلی آن و همه پدیده‌های فرهنگی نظر دارد و به‌واقع می‌کوشد

1) Edward G. Browne

2) *Literary History of Persia*

«تاریخ سیر معنوی ایران» را بنویسد و روایتی تاریخی از مجموعه فرهنگ ایرانی به دست دهد.

دوره‌بندی جلد‌های چهارگانه تاریخ ادبی ایران به شرح زیر است: از قدیم‌ترین روزگاران تا زمان فردوسی (ترجمه علی‌پاشا صالح، ۱۳۳۳)؛ از فردوسی تا سعدی (ترجمه فتح‌الله مجتبائی، بخش نخست، ۱۳۴۱)؛ غلامحسین صدری افشار، بخش دوم، ۱۳۵۱؛ علی‌پاشا صالح، هردو بخش، ۱۳۵۸)؛ از سعدی تا جامی (ترجمه علی‌اصغر حکمت، ۱۳۲۷)؛ از صفویه تا عصر حاضر (بخشی از آن با عنوان تاریخ ادبیات ایران در دوره قاجار، ترجمه نصرالله سیف‌پور فاطمی، ۱۳۱۱)؛ با عنوان تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفوی تا زمان حاضر، ترجمه رشید یاسمی، ۱۳۱۶)؛ و بخشی از آن با عنوان گلزار ادبیات ایران در عصر سلاطین صفوی، ترجمه نصرالله سیف‌پور فاطمی، ۱۳۱۹).

براون در آخرین فصل بسیار مختصر (ص ۴۰۱ تا ۴۲۸) جلد چهارم، اشاره‌ای به ادبیات فارسی معاصر [تا ۱۹۲۴] کرده و نخستین کس او بوده است که «چنین توجهی را به ایرانیان داد که باید درباره ادبیات معاصر تحقیق و تجسس کرد و به همین ملاحظه بود که غلامرضا رشید یاسمی کتاب کوچک ادبیات معاصر (تهران ۱۳۱۶) را همراه ترجمه جلد چهارم تاریخ ادبیات براون منتشر ساخت» (افشار، ص ۴۷۰). ترجمه کامل جلد چهارم به قلم بهرام مقدادی و تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید.

براون آخرین فصل کتاب خود را به «مهم‌ترین پیشرفت‌های سال‌های اخیر» اختصاص داده است. او نخست به نقش دارالفنون و مدارس نظامی و سیاسی در رواج ترجمه آثار علمی و ادبی (آثار مولیر و ژول ورن) و افزایش امکانات چاپ و رواج روزنامه‌نگاری به عنوان موجبات و مقدمات پیدایش رمان در زبان فارسی اشاره می‌کند. آن‌گاه، ذیل عنوان «تئاتر»، به تأثیر ترجمه آثار مولیر در نمایشنامه‌نویسی ایرانی می‌پردازد و ترجمه گزارش مردم‌گریز^۳ را - بی‌ذکر نام مترجم آن،

میرزا حبیب اصفهانی - با نسخه اصلی به اجمال مقایسه می‌کند و این اثر را ترجمه آزادی می‌شمارد که، در آن، قهرمانان خلق و خوی ایرانی یافته‌اند و اصطلاحات و کنایات ایرانی جانشین مثل‌های فرانسوی شده‌اند.

ضمن اشاره به نمایشنامه‌های میرزا جعفر قراچه‌داغی (در واقع، ترجمه او از نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی دربندی «آخوندزاده»)، یوسف شاه سراج جزو نمایشنامه‌ها فهرست شده در حالی که این اثر یک داستان کوتاه تاریخی است. هنگام بحث از «سه نمایشنامه اثر شاهزاده ملک‌خان» نیز اشتباهی رخ داده است. در اینجا، براون نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی را، که در سال ۱۹۰۸ در روزنامه اتحاد تبریز چاپ شده، اثر طبع ملکم معرفی کرده است. بعدها - در سال ۱۹۵۵ - تحقیقات آ.ع. ابراهیموف، پژوهشگر آذربایجانی، مشخص کرد که نویسنده اصلی نمایشنامه‌ها میرزا آقا تبریزی است. (ملک‌پور، ص ۱۸۶)

براون، به روزنامه تیاتر میرزا رضاخان طباطبایی و کم‌دی جعفرخان از فرنگ آمده اثر حسن مقدم اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که آنچه از نمایشنامه‌های این دوره به دست او رسیده حاوی انتقاد از حکومت یا اوضاع اجتماعی ایران به زبان طنز بوده است. این آثار بیشتر جنبه سیاسی دارند تا نمایشی. اغلب آنها اجرا نشده‌اند و نتوانسته‌اند، مثل کار نمایشنامه‌نویسان عثمانی، تأثیری جدی بر فرهنگ مردم روزگار خود بگذارند. از این رو، در ایران، نمایشنامه‌نویسی همانند عثمانی رواج نیافته است.

با این همه، براون نمایشنامه‌نویسی را رایج‌تر از رمان‌نویسی یافته است. وی می‌نویسد: «در ایران، داستان‌هایی به سبک الف لیله یا حسین‌گرد که عامه‌پسندتر و بومی‌تر است بسیار دیده می‌شود، ولی درباره آنچه که رمان می‌گویند در مقابل نمایشنامه کمتر می‌توان سخن راند».

او از دو اثر بسیار مطلوب که توجهش را جلب کرده یاد می‌کند: یکی رمان تاریخی عشق و سلطنت (همدان ۱۹۱۹)، اثر موسی نثری،

مربوط به عهد کوروش؛ دیگری *دامگستران* یا *انتقامخواهان مزدک* (بمبئی ۱۳۳۹ق/ ۱۹۲۰-۱۹۲۱)، اثر صنعتی‌زاده کرمانی دربارهٔ حملهٔ اعراب به ایران و سقوط سلسلهٔ ساسانی. وی، به مناسبت یادکرد از این نوع داستانی، متذکر می‌شود که «در این اواخر این تمایل پیدا شده که نویسندگان از ایران عهد زردشت باشکوه و جلال یاد کنند».

براون، به نقل از مقدمه عشق و سلطنت، می‌نویسد: «نخستین رمانی است که در ایران به سبک رمان‌های اروپایی نوشته شده است» و آن را نمونهٔ «آموزنده و سرگرم‌کننده‌ای از یک نوع ادبی... که در ایران ناشناخته مانده» می‌شمارد. به باور او، ضعف کتاب در این است که اسامی خاص عموماً به تلفظ فرانسه نوشته شده است - مثلاً «میرادات»، به جای «مهرداد»؛ توصیف صحنه‌ها و قهرمانان طولانی است؛ داستان به عشق و جنگ می‌پردازد لیکن پر از ارقام سنوات، یادداشت‌های مربوط به باستان‌شناسی و اساطیر است و، در آن، مباحثات کسل‌کننده‌ای وارد شده که غالباً بر گزارش‌های هرودوت و اوستا مبتنی است. نویسنده سعی بسیار کرده تا دچار خطاهای فاحش تاریخی نشود.

دربارهٔ *دامگستران*، براون به ذکر این نکته اکتفا می‌کند که «از لحاظ سبکی کار بسیار شبیه عشق و سلطنت است ولی در آن اشتباهات باستان‌شناسی بیشتری دیده می‌شود».

براون سپس به ترجمهٔ میراسماعیل عبدالله‌زاده از سه واقعه از داستان‌های پلیسی شرلوک هلمس (۱۳۲۳ق) اشاره می‌کند که، چون منبع ترجمه روسی بوده، نام او به «شرلوک هلمس» مبدل شده است. آن‌گاه به سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌پیک نوشتهٔ زین‌العابدین مراغه‌ای و ترجمهٔ فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی می‌پردازد و بحث مربوط به رمان را خاتمه می‌دهد.

براون مردد است که سیاحت‌نامه را رمان به حساب بیاورد یا خیر. وی آن را «حاوی طنزی تلخ بر روش‌های حکومتی ایران و اوضاع اجتماعی این کشور» تشخیص می‌دهد و می‌نویسد: «نویسنده با دل‌تنگی به شرح

وقایع پرداخته است تا، با ایجاد عدم رضایت، باعث به وجود آمدن انقلاب گردد».

براون سبک ساده، محکم و طنزآمیز کتاب را می‌پسندد. حاجی بابا را، مثل سیاحت‌نامه، حاوی «طنز هوشمندانه‌ای دربارهٔ ایرانیان» معرفی می‌کند و می‌گوید: «چون نوشتهٔ یک خارجی است بیشتر طرف توجه قرار گرفته ولی بیشتر جزو آثار ادبی انگلیسی به شمار می‌آید تا فارسی». براون مترجم این کتاب را شیخ احمد روحی کرمانی - با استعداد ولی بد اقبال - دانسته است. البته، در زمان نگارش تاریخ ادبی ایران، میرزا حبیب اصفهانی، مترجم کتاب حاجی بابا، چندان شناخته نبود؛ اما بعدها پژوهش‌های سید محمدعلی جمال‌زاده و مجتبی مینوی محقق ساخت که این «شاهکار ترجمه در زبان فارسی... نمی‌توانسته به قلم کسی جز میرزا حبیب باشد» (آذرنگ، ص ۳۴ و ۳۵). در ترجمهٔ جدید تاریخ ادبی ایران (پانوشهٔ ص ۴۱۱)، به نقش میرزا حبیب در ترجمهٔ حاجی بابا اشاره شده است.

براون، به مطبوعات و شعر دورهٔ مشروطه با حوصله و دقت بیشتری پرداخته است اما به نوآوری‌های نثر نگاهی گذرا دارد. در حقیقت، به تحقیق و تجسسی در این زمینه دست نزده و از کتاب‌هایی که اتفاقاً دیده یا برایش فرستاده‌اند - مثلاً موسی نثری کتابش را برای او فرستاد تا در روزنامهٔ تایمز بررسی کند - گزارش کوتاهی ارائه داده است. از این رو، گزارش وی از پیدایش و سیر نمایشنامه و رمان در ایران تحلیلی و جامع نیست هرچند، به عنوان گزارش زنده و تاحدی ژورنالیستی محققى که در آن دوره زندگی کرده و ادبیات معاصر را در مرکز توجه ادبای زمانه قرار داده، خواندنی است. براون، در بحث از مطبوعات، پس از ذکر نام جرایدی چون اختر، قانون، حبل‌المتین، ثریا و پرورش به عنوان مهم‌ترین روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، صوراسرافیل، نسیم‌شمال، مساوات و نوبهار را از نظر ادبی مهم‌تر می‌داند. او می‌نویسد: «ستون چرندپرند روزنامهٔ صوراسرافیل از لحاظ نثرنویسی بسیار عالی و بکر بود». وی، پس از نقل

دو نمونه از چرندپرند، می‌افزاید: «تاکنون چیزی شبیه آنها در زبان فارسی ندیده‌ام... نمایانگر نوآوری در طنز فارسی است و به سبکی هم عامیانه و هم موجز و فصیح نوشته شده است».

او، سرانجام، دهخدا را در «رتبه نخست» ادبای معاصر ایران جای می‌دهد.

این اثر براون دربارهٔ فضای ادبی سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۲۳ مطلب چندانی ندارد. او به جو سیاسی در این سال‌ها اشاره می‌کند و ظلم و جور روسیه و بلایای جنگ بین‌المللی و نقش انگلیس را عامل بی‌ثباتی اوضاع اجتماعی و «پایان آزادی و فعالیت‌های ادبی عصر مشروطه» می‌شمارد؛ همچنین پیدایش آلمان دوستی در برخی از سیاستمداران و ادبای ایرانی و شکل‌گیری «کمیته ملئون» را از نتایج چنین شرایطی قلمداد می‌کند. از دورهٔ اول روزنامه‌کاوه (۱۹۱۶-۱۹۱۹) به عنوان یکی از «عوامل اصلی» تبلیغ این گرایش نام می‌برد؛ اما دورهٔ دوم این نشریه (۱۹۲۰-۱۹۲۱) را «به طور کامل ادبی و حاوی مقالات عدیده بسیار ارزشمند و جالب» می‌یابد. سپس فهرستی از مقالات جالب تاریخی و ادبی مجله ارائه می‌دهد اما از داستان «فارسی شکر است» اثر جمال‌زاده و فتح باب او در ادبیات معاصر ایران نام نمی‌برد. براون اهمیت مقالات تحقیقی دورهٔ جدیدکاوه را در روش‌شناسی آنها می‌داند که مبتنی بر روش تحقیق آلمانی و «اعتدال و هوشیاری، بی‌نقصی، دقت زیاد و بررسی کامل مواد مربوطه از میان تمامی منابع در دسترس» است.

جلد چهارم اثر براون با اشاره‌ای به مجلهٔ *ایرانشهر* به مدیریت حسین کاظم‌زاده (ایرانشهر)، که «عامه‌پسندتر از کاوه بود»، و نقش چاپخانهٔ *کاوپانی* برلن به مدیریت میرزا عبدالشکور در «تجدید حیات ادبی ایران»، با چاپ نمایشنامه‌های جدید و آثار ادبی کلاسیک، پایان می‌یابد. او *ارمغان* را «یکی از بهترین مجله‌ها» معرفی می‌کند؛ به نظر او، مجلهٔ بهار «لحنی بسیار مدرن و اروپایی» دارد؛ از *عالم‌نسوان*، *پارس*، *گنجینهٔ معارف*، و چند نشریهٔ دیگر یاد می‌کند اما بر آن است که هیچ‌یک از آنها، به لحاظ

ارزش مطالب و زیبایی، به پای ایرانشهر یا کاوه نمی‌رسند. تنها گل زرد (تهران ۱۳۳۹ق) را مضمول این حکم نمی‌سازد.

آراء ادوارد براون درباره ادبیات جدید ایران با کتاب سه جلدی تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت (مطبوعات و شعر امروز ایران^۴، دانشگاه کمبریج، ۱۹۱۴) کامل می‌شود.

براون، که جلد چهارم تاریخ ادبی خود را با بحث مختصری در باب «آثار مشور عصر جدید» پایان داده بود، این اثر دیگر خود را به شعر عصر مشروطه اختصاص می‌دهد و آن را به صورت جُنگی از شعر «وطنی و سیاسی... که آن را ثمره انقلاب اخیر ایران باید شمرد»، عرضه می‌دارد. در بخش‌های دوم و سوم کتاب، دو اثر متفاوت را آورده است که بیانگر علاقه او به تحولات تاریخ معاصر ایران و انعکاس انقلاب سیاسی و فکری منتج از این تحولات در شعر فارسی است. بخش اساسی و ارزشمند این کتاب، «تاریخ مطبوعات ایران»، برگرفته از رساله چاپ‌نشده ورقمی از دفتر تاریخ مطبوعات ایرانی و فارسی، حاصل ربع قرن تلاش میرزا محمدعلی تربیت است که براون یادداشت‌های خود و اثر رایینو^۵، رساله تاریخچه مطبوعات، را به آن افزوده و کمبودهای آن را، تا حد ممکن جبران کرده است. این بخش فهرستی «از ۳۷۱ روزنامه و مجله است که در طول ۶۵ سال یعنی از آغاز تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران به سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۱۳ چاپ شده است». (مؤید ۲، ص ۵۳۷)

براون، که شعر دوره مشروطه را از جنبه‌های تاریخی و ادبی مهم می‌داند و از آن با عنوان انقلاب ادبی یاد می‌کند، ۶۰ نمونه شعر جدید فارسی از آثار مشهورترین شاعران عصر مشروطه را، از نشریاتی چون صور اسرافیل، نسیم شمال، ایران نو و حبیب‌المتین، برگزیده و «آنها را به انگلیسی فصیح و کم‌مانند خود ترجمه کرده» (← همان، ص ۵۳۸) و، همراه با

4) *The Press and Poetry of Modern Persia*

5) Rabino (1877-1950) سرکنسول انگلیس در ایران

زندگی‌نامهٔ مختصر شاعران، به چاپ سپرده است. او این کتاب را با همکاری حسین کاظم‌زاده تدوین کرده است. او «عالی‌ترین معرف و مترجم شعر فارسی می‌باشد. تاریخ ادبی ایران او پر است از ترجمهٔ بسیار دلپذیر اشعار فارسی به نظم انگلیسی» (آربری، ص ۵۰).

براون، در پایان کتاب، با عنوان «تقویم‌التواریخ وقایع انقلاب مشروطهٔ ایران»، ذیلی مختصر اما بسیار باارزش و مفید در وقایع‌نگاری تاریخ انقلاب از دسامبر ۱۹۰۵ تا آوریل ۱۹۱۲ درج کرده و مرجعی فشرده ولی موثق و دقیق در حوادث تاریخ مشروطه پدید آورده است. (← مؤید، ص ۵۳۹)

فهرست کتاب‌هایی که به قلم نویسندگان و مترجمان مدارس نظامی و سیاسی و دارالفنون تألیف و ترجمه شده (۱۶۰ عنوان) بخش جالب توجهی از جلد سوم را تشکیل می‌دهد. این کتاب‌ها در زمینه‌های نظامی، ریاضی، تاریخ و جغرافی، فیزیک، پزشکی، نقشه‌برداری، موزیک، حقوق، فرهنگ فرانسه به فارسی، و ادبیات ترجمه‌ای و تألیفی است. از جمله آنهاست: حاجی بابا تألیف جیمز موریه ترجمهٔ شیخ احمد روحی کرمانی؛ خان لنگران، مستعلی‌شاه ساحر، و دیگر نمایشنامه‌های ملی تشریح اوضاع ایران و قفقاز در هفت جلد تألیف میرزا فتحعلی آخوندوف تفلیسی، ترجمهٔ میرزا جعفر قراچه‌داغی؛ ترجمه‌های محمدطاهر میرزا از آثار الکساندر دوما (۵ رمان)؛ کتاب احمد یا سفینهٔ طالبی حاوی مکالمات اخلاقی و علمی برای کودکان تألیف ملا عبدالرحیم (طالبوف) تبریزی در دو جلد؛ مسالک‌المحسنین داستان علمی و سیاسی تألیف طالبوف؛ ترجمهٔ آثار مولیر مثل طیب اجباری، تنفراز مردم (گزارش مردم‌گریز)؛ سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه؛ ترجمهٔ بوسهٔ عذرا؛ مذاکرات یک سیاح هندی که به نفقهٔ ادارهٔ حبل‌المتین انتشار یافته؛ سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیک (در سه جلد)، انتقاد ماهرانه‌ای از رژیم قدیم ایران تألیف حاجی زین‌العابدین مراغه‌ای که به آلمانی ترجمه شده است.

براون را «آگاه‌ترین دانشمند» انگلیسی نامیده‌اند که فرهنگ و زبان فارسی را «خوب‌تر از دیگران وصف کرده و شناسانده است» (آبروی، ص ۴۷). وی آثار بسیار دارد اما «در میان تمام مؤلفاتش هیچ‌یک به قدر تاریخ ادبی ایران... بر نام و شهرت او نیفزوده است». (همان، ص ۴۸ و ۴۹)

منابع

- آذرنگ، عبدالحسین، «میرزا حبیب و حاجی بابای اصفهانی»، بخارا، ش ۲۷، آذر-دی ۱۳۸۰، ص ۳۴-۵۲.
- آبروی، آرتور، تحقیقات و مطالعات انگلیسی‌ها در باب فارسی، ترجمه فرنگیس شادمان، لندن ۱۹۴۳.
- افشار، ایرج، «در راه شناخت ادبیات فارسی معاصر»، آینده، س ۱۰، ش ۶ و ۷، شهریور و مهر ۱۳۶۳، ص ۴۷۰-۴۷۸.
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴، ترجمه بهرام مقدادی، مروارید، تهران ۱۳۶۹.
- ، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۱ و ۲، ترجمه محمد عباسی، کانون معرفت، تهران ۱۳۳۶، ۱۳۳۷؛ ج ۳، ترجمه رضا صالح‌زاده، کانون معرفت، تهران ۱۳۴۱.
- حشمت مؤید، منصور (۱)، «تاریخ ادبیات فارسی، مروری بر سوابق و نظری درباره آینده این فن»، مجله ایران‌شناسی، س ۳، ش ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۷۱-۸۴.
- (۲)، «مطبوعات و شعر جدید ایران»، ایران‌نامه، س ۳، ش ۳، بهار ۱۳۶۴، ص ۵۳۶-۵۳۹.
- متینی، جلال، «تاریخ‌های ادبیات فارسی»، مجله ایران‌شناسی، س ۶، ش ۲، تابستان ۱۳۷۳، ص ۲۵۰-۲۷۰.
- ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی ایران، ج ۱، توس، تهران ۱۳۶۳.